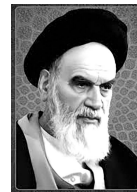


# امام موسی صدر از نگاه دیگران



**آیت الله خمینی (1281-1368 ش)** رهبر انقلاب اسلامی و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران:

آقای صدر مردی است که من می‌توانم بگویم او را بزرگ کرده‌ام و به منزله یک اولاد عزیز است برای من و ما امیدواریم که یک روزی با آقای صدر (سلمه الله تعالی) در قدس با هم نماز بخوانیم ان شاء الله و ما مأیوس نیستیم. من فضایلشان را می‌دانم و خدمات‌هایی را هم که بعد از آن که به لبنان رفته‌اند، کرده‌اند، می‌دانم و آنچه که لبنان احتیاج به ایشان دارد، باز آن را هم می‌دانم.



**آیت الله سید علی خامنه ای (1318 ش)** رهبر معظم انقلاب اسلامی ایران:

بخشی از خدمات بزرگی که آن عالم مبتکر و پر نشاط در مدتی نزدیک به بیست سال در صحنه اجتماعی و سیاسی لبنان به شیعه و به لبنان تقدیم کرد، وحدت و هویت بخشیدن به شیعه لبنان و ایجاد همزیستی و احترام متقابل میان پیروان ادیان و طوایف سیاسی در آن کشور از سویی، و صراحت در معرفی رژیم غاصب صهیونیست به عنوان شر مطلق و اعلام حرمت همکاری با آن از سوی دیگر، و بالاخره ابراز ارادت و صمیمیت نسبت به رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، چه در عرصه فرهنگی و نوشتاری و چه با همکاری با عناصر مبارز ایرانی، در مدتی طولانی از این عالم بزرگواری که فرزند حوزه علمیه قم و بازمانده یکی از خاندان‌های بزرگ علمی در جهان تشیع است، شخصیتی همه جانبه پدید آورده بود و چنین بود که امام راحل بزرگوار ما دلبستگی و تکریم خود به این شخصیت معزز را از اوایل پیروزی انقلاب با بیانات گوناگون ابراز داشتند .



**استاد شهید مطهری** (1298-1358 ش) متفکر و نویسنده شیعه در قرن ۱۴ و از شاگردان علامه طباطبائی و امام خمینی و یکی از مؤثرترین روحانیان معاصر در تفسیر آموزه‌های اسلام مطابق با نیاز روز؛ اگر آقا موسی الان بود، چون دنیا را دقیقاً می‌شناخت، می‌توانست کسی باشد که وضع جهان را برای امام خمینی تشریح کند و به عنوان یک کارشناس قوی، موضوعات و نیازها را بگوید... احکام واضح هستند و اشکال همه ما در عدم شناخت موضوع است. کسی که امروز در تبیین موضوعات به درد می‌خورد آقا موسی بود... افسوس شما هنوز نمی‌دانید که ما چه کسی را از دست دادیم. ما یکی از بزرگترین یاران فکری علمی انقلابمان را از دست دادیم. آقا موسی در دنیای عمل و اجرا نیازها را درک کرده بود. مسائل و مشکلات حرکت را می‌دانست و لمس کرده بود و برای اغلب موضوعات، حکم فقهی داشت او را خیلی حساب شده از ما گرفتند... ایشان موضوعات پیچیده منظومه را با یک سرانگشت حل می‌کرد و از شخصیت‌های نادری بود که حرفهای ملاصدار را به درستی فهمیده بود.



**آیت الله علی اکبر هاشمی رفسنجانی** (1313-1395 ش) روحانی، مفسر قرآن و سیاستمدار ایرانی؛ رئیس مجلس شورای اسلامی از سال 1359 تا 1368 و چهارمین رئیس جمهور ایران از سال 1368 تا 1376 و از سال 1368 تا پایان عمر، ریاست مجمع تشخیص مصلحت نظام را بر عهده داشت:

در سال 1327 که حدود 14 سال سن داشتم با ایشان آشنا شدم... ایشان آدم خوش بیانی بود، خوش سیما و خوش چهره بود و از لحاظ ما شخصیت خوبی بود. از فضایی مورد احترام ذهنی من بود در آن موقع؛ لذا در درس مطول ایشان شرکت و استفاده می‌کردم... آن موقع ایشان را به عنوان یک متفکر اسلامی می‌شناختم... در مجله «مکتب تشیع» سعی ما بر این بود که از شخصیت‌های درجه اول که رنگ اسلامی و علمی داشتند، استفاده نماییم. مثلاً مرحوم مهندس بازرگان، همین دکتر سجایی، مرحوم شهید مطهری، مرحوم شهید بهشتی و این تپ افراد بودند. شما اگر همان فهرست اول ما را ببینید، نام این افراد را مشاهده خواهید کرد. ما از ایشان استفاده می‌کردیم.

... لبنان برای ما آن روزها، بیشتر از این جهت جالب و پرجاذبه بود که در آنجا یک روحانی شیعه و ایرانی - امام موسی صدر - یک تشکیلات رسمی به نام «مجلس اعلا» داشت، که یک نوع حکومت بود. چنین چیزی را در آن روزها و در جای دیگری از دنیا نداشتیم ... آقای صدر هم دیدگاه های خاصی در مورد ایران داشت. او بر حسب موقعیت خاصی که داشت، از یک سو با رژیم ایران ناگزیر روابطی داشت و از سوی دیگر، با مبارزین هم صمیمی بود. اختلاف نظرهایی هم بین او و طرفداران امام بود که از من هم انتظار ایفای نقشی داشتند، که در ادامه همان سفر که به عراق رفتم با امام در این زمینه گفت و گوهای زیادی داشتم که بی تاثیر نبود ...



**آیت الله العظمی سید موسی شبیری زنجانی (۱۳۰۶ش)** از مراجع تقلید شیعه و از استادان درس خارج فقه و اصول در قم؛  
امام موسی صدر نسبت به مسائل سیاسی از درک و بینش خوبی برخوردار بود و در این زمینه استعداد و آگاهی خوبی داشت. آقا موسی... دارای برجستگی های خاص علمی، اخلاقی و روحی بود. ایشان از نظر سرعت انتقال بسیار سریع الانتقال بودند... یک فهم صاف و مطابق با فطرت داشتند و دارای یک روح حقیقت جو بودند. از جهت دقت نظر هم باز جزء درجه اولها بودند... جهت دیگری که در ایشان بود، بیان او بود. بسیار بیان، بیان روشن و بدون تعقید بود... تَن صدای ایشان بسیار مناسب و مطلوب بود. در بحث-ها... هیچ کس احساس خستگی از صحبت های ایشان نمی کرد. امتیاز دیگری که در ایشان بود، ادب بیان بود... ما هیچ وقت ندیدیم که در صحبت با افراد صدایش را بلند کند و با خشونت صحبت کند یا لفظ تند، تعبیر تند، تعبیر اهانت آمیز درباره اشخاص کرده باشد، امتیاز دیگری که جزو جهات ممتاز و عالی ایشان بود، انصاف ایشان در بحث بود؛ منصف بود در حد اعلا انصاف. هیچ وقت نمی خواست حرف خود را بر دیگری تحمیل کند... اعتراف به حقانیت طرف، برای او امری بسیار عادی بود... ایشان از نظر سیاسی در ایران و لبنان در جلساتی که سیاستمداران کهنه کار وارد، شرکت داشتند، از پس همه آنها بر می آمد؛ با این که جوان بود و آنها کهنه کار بودند، هیچ کم نمی آورد. حسابی بحث می کرد و از پس همه بر می آمد. استعداد ذاتی او هم این گونه اقتضا می کرد. ذاتاً با هوش بود. هم هوش علمی داشت و هم هوش سیاسی.



**آیت الله علی اکبر فیض آلتی** مشهور به علی مشکینی (1386-1300ش) از روحانیون تاثیرگذار در انقلاب اسلامی ایران، رئیس مجلس خبرگان رهبری از هنگام تأسیس در ۱۳۶۱ش تا پایان عمر و رئیس جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، امام جمعه دائم قم و استاد فقه، اصول، تفسیر و اخلاق:

ایشان سیاست و دیانت را توأم کردند و به دنبال تشکیل یک حکومت اسلامی درست در لبنان بود باید بگویم که هر کس در مورد ایشان به نیکی سخن بگوید، مقام و منزلت خود را بالا برده است. ما مقام امام موسی صدر را خیلی بالا می‌دانیم. ایشان را انسانی متدین به دیانت الهی و مردی که سیاست را می‌فهمید و دیانت را هم می‌فهمید، می‌شناسیم... باید بگویم که آقای صدر از ذخایر عالم تشیع بودند. ایشان یکی از پر ارج‌ترین انسان‌های عالم بودند.



**آیت الله العظمی سید عبدالکریم موسوی اردبیلی** (1395-1304 ش) از مراجع تقلید جهان تشیع و از پیشگامان انقلاب اسلامی ایران و یکی از نزدیک‌ترین یاران امام خمینی(ره) و بنیانگذار دانشگاه "مفید":

آقا موسی به واسطه خصلت‌ها و افکاری که دارا بود، حرف نو زیاد داشت و آنها را مطرح می‌کرد. هر حرف نویی هم به دنبال خود یک بحرانی دارد... یعنی افکار عمومی آماده درک مطلب نیست... آقا موسی هم جزو افرادی بودند که افکارشان جلوتر از زمان بود؛ چیزهایی که صد سال بعد یا دوستان سال بعد عادی می‌شوند... البته در مورد ایشان همان‌طوری که برای هر شخصیت علمی و دینی و سیاسی، گاهی یک عده شایعه پراکنی می‌کنند، ایشان هم از این حسدها و از این حرف‌ها در امان نبودند و گاهی شایعاتی درباره ایشان می‌شد؛ اما شخصیت ایشان طوری نبود که با این چیزها تحت تأثیر قرار بگیرد... آقا موسی تشکیلاتی فکر می‌کرد و دقیقاً می‌دانست که چه کار باید بکند. به نظر من اگر ایشان تا حال می‌ماند، یکی از ذخایر بسیار گرانقدری بود که می‌توانست در انقلاب اسلامی، در خدمت حضرت امام و در کنار برداران عزیز دیگر، وجود بسیار مفیدی باشد.



**شهید دکتر مصطفی چمران** (1311-1360 ش) وزیر دفاع دولت موقت جمهوری اسلامی، نماینده مجلس و فرمانده ستاد جنگ‌های نامنظم در جنگ عراق با ایران:

این مرد بزرگ قادر شد حرکتی ایجاد کند که پس از 1400 سال، شیعه را به جنبش در آورد، او را به حرکت در آورد؛ آن چنان حرکتی ایجاد کند که هیأت حاکمه لبنان را بلرزاند، اسرائیل را به وحشت بیندازد، نظام‌های طاغوتی عربی از او به وحشت بیفتند. سال‌ها قبل از آن که انقلاب اسلامی ما به پیروزی برسد، این مرد بزرگ سازماندهی کرد... تنها کسی است که از اول معرکه تا به امروز یک حرف زده و بر یک راه مستقیم رفته است. بر خلاف دیگران که هر روز حرف خود را عوض کرده‌اند؛ حتی فتح. او شعارهایش و پیش‌بینی‌هایش به حقیقت پیوسته است. تنها کسی است که از دولتی خارجی پول نگرفته و از کسی نوکری و حرف شنوایی نداشته؛ بلکه فقط و فقط به خاطر مصلحت مردم و ایده خود اقدام کرده است. می‌دانم که ممکن است عده‌ای به من ایراد بگیرند که چرا این همه از صدر حرف می‌زنم و حتی بگویند من عاطفی هستم؛ درحالی‌که این طور نیست. آنچه که من دیده‌ام و با وجود خود حس کرده‌ام و با مقایسه با دیگران، حتی یاسر عرفات، با وجود زدن این همه تهمت‌های ناجوانمردانه به او و این همه فداکاری‌ها و ثبات ایمان او به راهش، دریغ است که من سکوت کنم و حرف حق را نزنم؛ فقط از ترس این که ممکن است کسی مرا عاطفی بنامد. در یک جمله بگویم: در پاکی، فداکاری، ایمان و شخصیت بین صدر و این مدعیان رهبری که من می‌شناسم، از آسمان تا زمین فاصله است.



**فؤاد شهاب** (1280-1351 ش) افسر ارتش و سومین رئیس جمهور لبنان (1337-1343 ش) در دانشکده افسری دمشق و سن سیر فرانسه درس خواند و در دوران قیمومت فرانسویان در ارتش خدمت کرد و به هنگام استقلال لبنان فرمانده کل ارتش شد؛ اگر مسیحیان چنین شخصیتی داشتند، او را به مقام قدیسی می

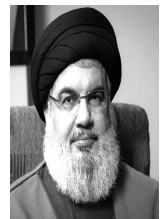
رساندند. این مرد را باید با تمامی وسایل و امکانات یاری نمود.



**جمال عبدالناصر** (1296-1349 ش) دومین رئیس‌جمهور مصر بود که از 1335ش تا هنگام مرگ، چهارده سال قدرت را در دست داشت. او رهبر انقلاب ۱۹۵۲ (1331 ش) مصر بود که منجر به سرنگونی پادشاهی خاندان محمد علی شد و در سال بعد قانون اصلاح کشاورزی را اجرا کرد؛ ای کاش دانشگاه الازهر رئیسی چون آقا موسی داشت.



**عبدالله بن عبدالعزيز آل سعود** (1302-1393ش) ششمین پادشاه عربستان از خاندان آل سعود؛  
من در تمام سال‌های زندگی، شخصیتی به هوشمندی، وسعت اطلاع، حسن خلق، انسانیت و جذّابیت امام موسی صدر ندیدم.



**سید حسن نصر الله** (1338ش) دبیرکل حزب الله لبنان؛  
امام موسی صدر، تنها، بنیانگذار مقاومت نبوده؛ بلکه بنیانگذار اقدامات، طرح‌ها و دستاوردهای بسیاری بود که در صورت غفلت از آنها، از قافله زمان عقب خواهیم ماند. حضور امام موسی صدر در لبنان باعث شد که روحانیت بار دیگر مسئولیت انسانی، شرعی و مدنی خود را بر عهده گیرد و از کانالی انسانی، الهی و شرعی و نه قدرت طلبی و انتقام‌جویی، پا به صحنه سیاست بگذارد. طبیعتاً این امر باعث گردید تا امام صدر تهمت‌ها و فداکاری‌های بسیاری را به جان بخرد. امام دین را به سیاست و سیاست را به دین بازگرداند. البته موضوع امروز برای ما عادی شده است اما وقتی امام به لبنان آمد، امری بسیار عجیب و غیر عادی بود؛ به گونه‌ای که داعیه‌دار چنین

موضوعی به راحتی به ارتداد، الحاد، فسق، فجور و خروج از دین و اموری از این دست متهم می‌شد. سیاستمداران تحمل نداشتند که فردی برجسته، با اخلاص، هوشیار و پاک به عرصه فعالیت آنان قدم گذارد. از سوی دیگر برخی روحانیون نیز تاب تحمل چنین فردی را نداشتند... از امام موسی صدر آموختیم که سرزمین غصب شده را نمی‌توان از راه‌های مسالمت آمیز باز پس گرفت. آموختیم که سرزمین غصب شده را تنها از راه جهاد، شهادت، فداکاری، سنگ، خون و با جانفشانی شهادت طلبانی چون «احمد قصیر» و «بلال فحم» می‌توان باز پس گرفت... نقش تأسیس امام به یک عرصه محدود نبود؛ او در ابعاد مختلفی در کشور بنیانگذار و مؤسس محسوب می‌شود.



**میشل عون** (1312 ش) رئیس‌جمهور لبنان از سال 1395 به مدت دو سال و 6 ماه، رهبر جنبش میهنی آزاد و فرمانده سابق ارتش لبنان: تعالیم موسی صدر و راه وی یک پشتوانه ملی است که اگر اقوم و طوایف مختلف لبنان دور آن گرد بیایند، برای آنان ثابت خواهد شد که قدرت آنها در وحدت ملی آنان است و تنها راه خروج از بحران‌ها، موضع یکپارچه است.



**سعد حریری** (1349ش) سیاستمدار لبنانی که از سال 1388 تا 1389 و از سال 1395 تا 1398 نخست‌وزیر این کشور بود. حریری رهبر جریان مستقبل و قوی‌ترین چهره ائتلاف ۱۴ مارس است: در چهلمین سالگرد ناپدید شدن امام موسی صدر و دو تن از همراهانش شیخ محمد یعقوب و خبرنگار عباس بدرالدین، ما شخصیت معنوی و انسانی را یادآور می‌شویم که خود را صرف دفاع از لبنان و همزیستی مشترک میان آحاد مردم آن کرد. مسأله ناپدید شدن امام موسی صدر مسأله همه لبنانی‌ها است.



ربابه صدر (1323ش) مدیر موسسات امام صدر در لبنان و خواهر ایشان: تسامح در نظر امام صدر، اصلی اساساً انسانی است و صرفاً نوعی رفتار نیست بلکه یک سبک زندگی است که در هر بخشی از زندگی او یافت می‌شود و همچون قلمرویی است که هر اندازه دیدگاه فکری و تجربه انسانی وسعت بیشتری بیابند، آن نیز وسیع‌تر می‌شود.

هنگامی که درباره تسامح در اندیشه امام صدر سخن می‌گویم تصاویری از ایشان در ذهنم شکل می‌گیرند که مایلم شما را در آنها شریک کنم، امام موسی صدر از هنگام ورودش به لبنان با خود پیام گشودگی نسبت به دیگری را آورد، لبنان را پذیرفت و دردهایش را حس کرد و دریافت که لبنان سرزمینی بارور است که با تمامی فرق و طیف‌های متنوعش سزاوار این تجربه فرهنگی است؛ تجربه‌ای که جز با همزیستی و تسامح میان لبنانیان مسلمان و مسیحی به دست نمی‌آید. اما بر این نکته چنین تأکید می‌کند که لبنان از گذشته‌های دور با تسامح و همزیستی میان مسلمانان و مسیحیان آشناست. و این نکته ریشه در ایمان عمیق او به این نکته دارد که تسامح وظیفه‌ای دینی است که تمامی ادیان آسمانی به آن باور دارند.

فرهنگ مبارزه بدون خشونت و موضع مقاومت مسالمت‌آمیز بخشی از ابتکار سازنده‌ای است که گفتمان چشم‌پوشی از اختلافات و توجه به مهربانی و عطوفت به جای آن را بنا می‌نهد. حتی فراتر از این نیز می‌رود، آنجا که خودش را و لبنانیان را در مقابل مسوولیت بزرگ تاریخی‌مان در برابر وطن و در برابر تاریخ و در برابر نسل‌ها قرار می‌دهد که زخم‌ها را به فراموشی بسپاریم و آستین بالا بزنیم و هر کدام مان به اندازه توان‌مان از میهن‌مان محافظت کنیم. از این رو است که نمی‌توان تسامح را نزد امام صدر، تنها یک واژه یا کلام در نظر گرفت بلکه ارزش‌والایی است که ابعاد و افق‌های وسیعی دارد، به گونه‌ای که پیشاپیش قدرت و توانایی آن را برای خلق اراده‌ای زنده دریافت که رشته‌های برادری لبنانیان را محکم می‌کند.



آیت الله العظمی ناصر مکارم شیرازی ( ۱۳۰۵ش ) مرجع تقلید شیعه، نویسنده و مفسر قرآن:



آقا موسی صدر استعداد فوق‌العاده‌ای داشت. این استعداد به پشتکار و استقامت فوق‌العاده وی ضمیمه می‌شد و هر دو به کار مستمر شبانه‌روزی در مسائل تحصیلی و منظم درس خواندن می‌پیوست. به همین علت بود که آقای صدر خیلی سریع در حوزه علمیه قم ترقی کرد و در مدت کوتاهی جزء فضایی بنام و درجه اول حوزه شد. یکی از کسانی که می‌توانم شهادت بدهم در همان سنین جوانی به اجتهاد رسید، امام موسی صدر بود.



**دکتر صادق طباطبایی (1393-1322ش)** خواهرزاده امام موسی صدر، سیاستمدار، استاد دانشگاه، نویسنده و روزنامه‌نگار ایرانی بود. او از افراد تأثیرگذار در سال‌های پیش و پس از انقلاب اسلامی ایران بود و سخنگویی دولت موقت ایران در دوره مهدی بازرگان را نیز برعهده داشت. او همچنین به عنوان معاون وزیر کشور مجری برگزاری همه‌پرسی نظام جمهوری اسلامی در ایران بود:

تسلط امام موسی صدر به قرآن یکی از مهم‌ترین برجستگی‌های شخصیتی وی به شمار می‌رود؛ وی حافظه منظمی داشت و در هر مناسبت، مفاهیم متناسب با همان روز را با ظرافت خاصی از بطن آیات قرآن بیرون می‌کشید. این تبحر امام موسی صدر در بیان نکات ظریف و بیرون کشیدن معانی متناسب با وقایع روز، نه تنها از قرآن بلکه در بیان از انجیل و تورات و دیگر کتب دینی نیز وجود داشت.



**مهدی فرخیان** پژوهشگر، کارشناس ارشد فلسفه دین و مترجم آثار امام موسی صدر:

نکته مهم اندیشه امام موسی صدر که تفاوت ایشان با بسیاری از علما و اندیشمندان را شکل می‌دهد، به طور عمده به رویکرد انسانی ایشان در تحلیل و تفسیر مسائل باز می‌گردد که در مقالات، سخنرانی‌ها و آثار امام موسی و اثر انسان پرتکرار است. حتی در تصویری که امام موسی صدر از واقعه عاشورا ارائه می‌دهند نیز رویکرد انسانی ایشان به خوبی مشخص است. در حوزه دین‌شناسی هم تصریح دارند که دین باید

در خدمت انسان باشد. امام موسی صدر همچون افرادی نظیر مرحوم طالقانی، شهید بهشتی، شهید مطهری و مرحوم محمدتقی شریعتی از جمله روحانیونی بودند که در مواجهه با دنیای جدید، با بهره گرفتن از روش و متدولوژی شناخته شده علوم دینی، در تلاش بودند تا نگاه و رویکردی از دین را ارائه دهند که مطابق با مسائل انسان امروز و پاسخگو به چالش های عصر مدرنیته باشد. اما تجربه امام موسی صدر در مقایسه با دیگر همراهانش از این جهت حائز اهمیت است که در لبنان، جامعه ای متکثر هم از لحاظ سیاسی و هم لحاظ مذهبی اتفاق افتاده است.



**محمد جواد مغنیه (1283-1359 ش)** مفسر و روحانی شیعه اهل لبنان : بزرگی، سعه صدر، گذشت و تواضع، از ویژگی های امام موسی صدر است؛ من در برابر این کوه عظمت و صبر، و اسوه تواضع و فروتنی، سرکُرنش فرود می آورم و در حضور بزرگان و شخصیت های سیاسی، علمی و مذهبی، با او بیعت می کنم. **شیخ حسین خطیب، قاضی بزرگ لبنان:** من با امام موسی خیلی جنگیدم، اما هر قدر بیشتر جنگیدم او بیشتر محبت کرد و بیشتر به دیدارم آمد. آن قدر محبت کرد که خودم شرمند شدم.



**سید محمد باقر صدر (1313-1359 ش)** فقیه، اصولی، مجتهد، فیلسوف، اندیشمند، مرجع تقلید، مبتکر و نظریه پرداز شیعه و سیاستمدار عراقی بود. از او گاه به عنوان شهید خامس و سید ذبیح القفا نیز یاد می شود:

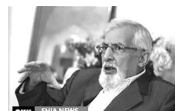
وحدت و یکپارچگی امت اسلامی در جهان کنونی، منتهای آرزوی امام موسی صدر بود و برهمین اساس پای از دایره حوزه های علمیه بیرون نهاد تا به گفته خود کار ناتمام سید جمال الدین اسدآبادی را به پایان برساند؛ با این تفاوت که سید عقیده داشت باید این کار را با سران به سرانجام برساند و امام موسی صدر معتقد بود که باید با مردم بود و از پایین کار را شروع کرد و با بالا کشیدن مردم و با

پشتوانه آنان سران را به وحدت با یکدیگر و به خیر و صلاح مردم سوق داد و یا حتی وادار ساخت؛ ... امام موسی صدر معنای انسجام اسلامی را در این نمی دید که تمامی انسان های منطقه را شیعیان حزب اللهی شکل دهند... امام موسی صدر در فکر جهان گشایی نبود، سلطه قومی بر قوم دیگر را طلب نمی کرد، استثمار ملتی را توسط حکامی دیگر در سر نداشت، موازنه مبتنی بر زور را نمی پسندید، ستمگری و ستم پذیری را نفی می کرد، آنچه او در پی آن بود؛ ارتقای جایگاه امت اسلامی در عصر علم و ارتباطات، و هم شأن و هم ردیف با دیگر ملل عالم بود. روابط مبتنی بر احترام متقابل، به رسمیت شناختن حق و حقوق و منافع فرد و جامعه در مقیاس جهانی برای او اهمیت داشت.



**جورج سمعان جرداق** (1393-1305ش) نویسنده، شاعر و نماینده نویس لبنانی:

اگر روحانیون مسلمان، اسلام را همچون امام موسی صدر تبلیغ می کردند، اثری از مسیحیت و دیگر ادیان باقی نمی ماند.



**جلال الدین فارسی** (زاده ۱۳۱۲ در مشهد) نویسنده و سیاستمدار سابق، و نماینده دوره دوم مجلس شورای اسلامی در ایران است. وی نخستین نامزد حزب جمهوری اسلامی در اولین انتخابات ریاست جمهوری در ایران بود که پس از مشخص شدن ملیت افغانستانیش ناچار به کناره گیری شد. آقای موسی صدر قبل از پیروزی انقلاب که من در لبنان حضور داشتم و انقلابیون دور من بودند نه دور او، با شاه رابطه خوبی داشت، ایشان می گفت که ما باید با مسیحیان متحد شویم و یک آخوند به کلیسا برود و یک کشیش نیز در مسجد پیش نماز شود. وقتی چنین حرفی را زد باید علیه او قیام می شد.

ایشان باید به خاطر این حرف کشته می شد اما ما دیدیم که ارزشی ندارد هرچند قذافی او را کشت. قذافی به نهضت های انقلابی و ضد استعماری کمک می کرد اما هر چه امام موسی صدر اقدام می کرد به او کمک نکرد وقتی او را دعوت کردند او به آنجا رفت، من آنجا مراوده و از همه جزئیات اطلاع داشتم و در نهایت او را کشتند.



**سید محمد موسوی خوئینی‌ها** (۱۳۲۰)، سیاستمدار ایرانی است. دبیرکل مجمع روحانیون مبارز از سال ۱۳۸۴ مرحوم آقاموسی صدر، تا آنجا که رفتار ظاهری‌اش نشان می‌داد، هیچ نوعی همراهی با انقلاب نداشت. به نظرم می‌آید که اساساً در آن زمان ایشان نظرش این نبوده که نهضتی که در ایران شروع شده به یک نتیجه خاصی می‌تواند برسد.



**سیدهادی خسروشاهی** (۱۳۱۷-۱۳۹۸) سیاستمدار و سفیر سابق ایران در واتیکان و رئیس نمایندگی جمهوری اسلامی ایران در مصر (قاهره)، محقق و تاریخنگار.

امام موسی صدر در واقع، از ارکان اصلی و پیشگامان جریان روشنفکری حوزه بود. به‌ویژه که از لحاظ سابقه درخشان خانوادگی و رتبه تحصیلی حوزوی، یک فرد شاخص بود و به طور طبیعی و در عمل، در طلوع این جریان قرار داشت و البته اقدامات بعدی ایشان، نشان‌دهنده عمق ریشه فکری این جریان در ذهن و اندیشه ایشان بود.



**سیمین دانشپور** (۱۳۰۰-۱۳۹۰) نویسنده و مترجم برجسته ایرانی و همسر جلال آل احمد.

موسی صدر خیلی خوش تیپ بود. حالا لیبی (قذافی) یا گمش کرده یا کشتدش، نمی‌دونم. غروب بود. موسی صدر اومد، در زد. اون یکی از زیباترین مردهای دنیا بود. چشم‌های خاکستری، درشت، زیبا. لباس آخوندیش هم شیک، از این سینه کفتری‌ها. من در رو باز کردم. گفتم: ببینم! شما امامی، پیغمبری! تو حق نداری این‌قدر خوشگل باشی! خندید. گفت: جلال هست؟ گفتم: آره، بیا تو. اومد تو. نیمام که همیشه اینجا بود... دیگه من نرسیدم چایی به نیما بدم. نیما تو خاطراتش نوشته که: سیمین محو جلال امام موسی صدر شد و

چایی ما رو خودش نداد و منم چایی نخوردم. موسی صدر سه چهار روز اینجا موند. نیما خیلی حسودیش شد. نیما خیلی وسواسی بود. باید چایی رو خودم می‌ریختم. تفاله نداشته باشه. سرش هم این قد خالی باشه. خودمم می‌دادم بهش. من محو جمال صدر شدم. خیلی زیبا بود. بعد سه چهار روز موند و بعد ما رفتیم قم. او رئیس نهضت امل در لبنان بود. «سووشون» رو او به عربی ترجمه کرد. آورده بود برامون. بعد ما رو به قم دعوت کرد که دیگه بیرونی و اندرونی بود. ولی می‌دیدمش. شام و نهار اینا می‌دیدمش.



**دکتر ابراهیم یزدی (۱۳۱۰-۱۳۹۶)** عضو شورای انقلاب، وزیر خارجه و معاون نخست‌وزیر در دولت موقت انقلاب، نماینده شهر تهران در مجلس اول و دبیرکل سابق نهضت آزادی ایران

آن چیزی که ما در ادبیات و فرهنگ دینی خود از آن به «خلق محمدی» یاد می‌کنیم، امام موسی صدر آن را به طور کامل داشت. من هرگز ندیدم که ایشان از این اطرافیان خود عصبانی شده باشد؛ در حالی که بعضی اوقات واقعاً ایشان را اذیت می‌کردند. هر کس که به حازمیه [مقر مجلس اعلای اسلامی شیعه] می‌آمد، می‌خواست ایشان را ببیند. خوب، ایشان هم مثل هر انسان دیگری خسته می‌شد. اما من هرگز ندیدم، نه تنها در حضور آنها، بلکه حتی وقتی تنهایی در خلوت پای سماور می‌نشستیم تا یک فنجان چای بنوشیم، که احساس عصبانیت یا دلتنگی کرده باشد. به مسائل اخلاقی و انسانی دقیقاً توجه داشت.

یک بار دهکده‌ای مسیحی را در جنوب لبنان بمباران کرده بودند و دو نفر از جوانان مسیحی آن کشته شده بودند. من تازه از آمریکا به بیروت آمده بودم. به من گفت که من دارم می‌روم تا از خانواده‌های این دو جوان مسیحی عیادتی بکنم. تو هم بیا با هم برویم؛ بد نیست. گفتم برویم، من دوست دارم. با ماشین ایشان رفتیم. روستای مسیحی درست کنار مرز مناطق اشغالی و اسرائیل بود. آنجا من با چشم خود دیدم که ایشان با مسیحی‌ها چه رفتاری دارند و مسیحی‌ها چه رفتاری با ایشان دارند. این‌ها همان چیزی است که امامان ما می‌گویند؛ که مردم را با رفتارشان به دین جذب کنید و نه با زبانتان. آقای صدر این امتیازات را داشت. ایشان علاوه بر اینکه تمام این نکات جامعه‌شناختی، روان‌شناختی و اجتماعی را داشتند، جایگاه‌شان در لبنان طوری بود که به مسائل سیاسی منطقه نیز اشراف کامل داشتند. من این اشراف سیاسی ایشان را در کمتر روحانی دیگری دیدم. ایشان

مسائل سیاسی را می‌فهمید و به آن اشراف داشت. این اشراف ایشان باعث شده بود تا مسائل را در ورای این روابط سیاسی عادی ببیند. ... آن چیزی که آقای صدر در لبنان بدست آورد، خودش بدست آورد. ایشان وقتی در سال ۱۹۵۹ به لبنان رفتند، خودشان با آن قد بلند و رشید پشت ماشین کوچک فولکسواگن نشستند و ظرف یک سال نزدیک صد هزار کیلومتر را در آن کشور کوچک زیر پا گذاشتند. ببینید، هیچ وقت روحانیون ما این اخلاقها را نداشتند که خودشان پشت ماشین بنشینند و اینگونه متحرک باشند. دهکده‌ای نبود که امام موسی صدر ندیده باشد. هر دهی را که می‌گفتید، ایشان رفته بود و آنجا را دیده بود. یک خانواده شیعه نبود که امام موسی صدر آن را نشناسد. آقای صدر انصافاً با یک نگاه کاملاً علمی وارد فعالیت شد. برای اینکه با خود گفت اول باید جامعه را بشناسد. در ضمن یک افق دید بلند داشت.